

مراسم رونمایی از کتاب «جعبه جادویی» به نویسندگی فرشاد حسن پور، روز دوشنبه ۱۹ آتیر مصادف با روز ملی ادبیات کودکان و نوجوانان برگزار می‌شود. مراسم با حضور اهالی فرهنگ و ادب و فعالان حوزه تئاتر و آثار نمایشی ویژه کودک و نوجوان از ساعت ۱۷ در سالن خزر(گوشه) این مجموعه صورت می‌گیرد.

کتاب جعبه جادویی، شامل چهار نمایشنامه با نام های: غولالو، سیرک پرمارچا، ملکه سفید و سرزمین مجازی و جعبه جادویی

رونمایی از نمایشنامه «جعبه جادویی»

ه بین المللی

از بازیگری

سته را باز می‌کند!



عکس: مجید آراد - خام‌س

تئاترشهر علاقه‌مند و پیگیر اجرای سه کار من در این مجموعه است. بحث خودم نیست، اگر کار خوب باشد، دنبال اجرای آن می‌آیند. این باور باید وجود داشته‌باشد. برخلاف آن باوری که ما را نمی‌خواهند و از ما حمایت نمی‌کنند. بله، درست است دولت و بخش خصوصی خیلی به هنر بدهکار است اما سؤال اینجاست ما چه کار کردیم. این مسأله را هم باید درنظر بگیریم.

[۱] به جز عقبه تحصیلی و تجربه شما در زمینه تئاتر عروسکی و حتی حضور مستمر در جشنواره نمایش عروسکی (مبارک)، به نظر می‌رسد شهرت و محبوبیت شما در سینما در چند سال اخیر، نقش مهمی در انتخاب‌تان به عنوان دبیر نوزدهمین دوره این رویداد داشت. چقدر این موقعیت فعلی به کار و کمک جشنواره عروسکی آمد؟ آن قدری که می‌توانست، کمک نکرد. به نظرم در آن دوره‌هایی که خانم برومند، دبیر جشنواره بود، خیلی بیشتر توانست کمک بگیرد، چون شوخی ندارد و مدیران از ترس خشونت جذاب ایشان، اوکی را می‌دادند و از جشنواره حمایت می‌کردند. من بیشتر انرژی را روی باک‌گیری و رفع ایرادات جشنواره گذاشتم. البته موقعیت به عنوان بازیگر هم مهم بود و کمک کرد تا فرصت گفت‌وگو با بخش خصوصی ایجاد شود. متأسفانه این واقعیت است که بازیگری در این مملکت خیلی کار می‌کند و خیلی از درهای بسته را باز می‌کند.

[۲] یکی از تصمیم‌های شما که در نشست خبری هم عنوان کردید، کاهش زرق و برق و افزایش بار تخصصی جشنواره بود. این چقدر عملی شد؟ خیلی. ما تقریباً هیچ هزینه‌ای برای تبلیغات جشنواره نکردیم.

[۳] اتفاقاً می‌خواستیم پیرسم چرا تبلیغات این دوره

کم بود و به جز چند بنر پراکنده در سطح شهر، چندان نشانه‌ای از برگزاری این جشنواره حتی در اطراف مجموعه تئاترشهر ندیدیم.

البته ما تلاش کردیم که فضاهایی را برای اطلاع‌رسانی جشنواره در اختیار بگیریم. این وظیفه دوستان در سازمان زیرسازیا بود، اصلاً زیبایی از نمایش عروسکی بهتر؟ قبول دارم که می‌توانست خیلی بهتر باشد اما باید بی‌رسم تبلیغات برای چیست؟ جشنواره‌ای که تخصصی است و تماشاگر و ظرفیت سالن‌های محدود دارد، چرا باید بودجه‌اش را صرف تبلیغات آنچنانی و پرزرق و برق و بیلبوردهای گران قیمت کند و بیت‌المال هدر برود؟ به این نتیجه رسیدیم همین مقدار تبلیغات کافی است. به جای تبلیغات، کارهای جزئی اما تعیین‌کننده‌تری انجام دادیم. به عنوان مثال ما برای جشنواره، وانت در اختیار داریم، کار گروه که تمام می‌شود، دیگر برای جابه‌جایی وسایل در خیابان دنبال وانت نمی‌گرد.

[۴] با سالن‌ها را یک روز زودتر از اجرا در اختیار گروه‌ها قرار دادید که بتوانند هماهنگی بیشتری داشته‌باشند.

درحالی‌که معمولاً این جزئیات در برخی جشنواره‌ها اصلاً اهمیت ندارد، چون دبیر و مدیران تنها می‌خواهند بیلان کاری ارائه دهند اما با همراهی دوستان در این دوره تصمیم گرفتیم به گروه‌ها کمک کنیم و هزینه‌هایی که انجام می‌دهیم به خانواده عروسکی برگردد. چرا باید فیلمبرداری از کارها را به یک شرکتی در بیرون بسپاریم، چرا به فرض این کار را به هسسر یک کارگردان عروسکی که در این زمینه تخصص دارد، واگذار نکنیم؟ یا وظیفه تشریفات را یکی از اعضای خانواده عروسکی انجام ندهد؟ سعی کردیم بیشتر بودجه این دوره از خانواده عروسکی بیرون نرود. ضمن این‌که با همین رویه، کارها به بهترین کیفیت انجام می‌شود. مثلاً برای حمل و نقل و جابه‌جایی خود اعضای گروه‌ها از هتل به سالن‌ها و برعکس، ماشین در اختیارشان گذاشتیم یا دغدغه غذای آنها هنگام تمرین و اجرا را برطرف کردیم. اینها کارهای ساده‌ای است و چون زرق و برق ندارد، به چشم نمی‌آید. ایرادی هم ندارد، مهم این است که کار خود گروه‌ها را می‌افتد و آنها متوجه ارزش این اقدامات هستند. با همین کارها داریم سطح مطالبه‌گری آنها را بالا می‌بریم. برای دوره بعد هم هرکسی آمد، باید بداند که انجام این کارها ضروری است. سطح مطالبه‌گری ما خیلی پایین است و قانع هستیم و به خاطر هر توجه کوچکی، تشکر می‌کنیم. درحالی‌که این وظیفه دبیر جشنواره است که اسباب راحتی گروه‌ها و اجرای خوب آثار را فراهم کند. حتی من با همکاران ستاد جشنواره کردم که نباید صدای ما از سطحی بالاتر برود. آن هم در شرایطی که ۵۸ گروه و حدود ۱۰۰ مهمان در جشنواره حضور دارند. ما به عنوان تیم برگزاری جشنواره پذیرفتیم که به این عزیزان خدمت کنیم و باید هم آن را به بهترین شکل انجام دهیم. امیدواریم به جایی برسیم که دولت بتواند با کمک وام و حمایت سالانه، ابزار فرهنگ را از حالت امنیتی درآورد و به بخش خصوصی واگذار کند. یعنی مطمئنم اگر مجموعه تئاترشهر به بخش خصوصی واگذار شود، هم بهتر نگهداری می‌شود، هم کارمندان آن راحتی ترند، هم این رضایت‌ها در گروه‌ها بیشتر خواهد بود و هم درآمد بهتری حاصل می‌شود. اگر همین جشنواره تئاتر عروسکی تهران (مبارک) توسط بخش خصوصی و با کمک‌های دولتی برگزار



است که ویژه رده سنی کودک و نوجوان توسط نشر بوی‌کاغذ (بوکا) به چاپ رسیده است. محمد میرکایی، نویسنده ادبیات کودک و نوجوان، احمد رضائی، مدیر نشر بوی‌کاغذ (بوکا) و ... از جمله مهمانان ویژه در این مراسم هستند. فرشاد حسن پور، نویسنده این کتاب از سال ۱۳۸۴ فعالیت در تئاتر را آغاز کرده و تجربه‌هایی در عرصه نویسندگی و کارگردانی نمایش برای کودکان و نوجوانان دارد. از سال ۱۳۸۷ به‌عنوان مجری

شود، نتایج بهتری خواهد داشت. تلاش کردیم بدهیبات را درست کنیم و اصلاً نتواستیم کار عجیب و غریبی انجام دهیم. متأسفانه همیشه در حوزه فرهنگ می‌بینیم بدهیبات هم درست انجام نمی‌شود و در یک ظاهرسازی با داریم سنگ نما می‌چسبانیم و رنگ می‌کنیم در حالی‌که باید بی ساختمان را درست کرد.

[۵] تعریف و خسته نباشید عرضیه برومند و تاییدهایی که از پیشکسوتان و فعالان این عرصه همچون هما جدی‌کار گرفته‌اید و به خلافت و شجاعت شما اشاره کرد. نشان می‌دهد در دبیری این جشنواره نمره قبولی کسب کردید.

به جز لطف و مهر این عزیزان پیشکسوت نمایش عروسکی که برایم خوشایند است، این بزرگان، استادان من بودند و خودشان هم می‌دانند که چقدر در این مقطع در مرکز توجه و نقد هستم. من در محضر این عزیزان درس پس می‌دهم. کسی نمی‌تواند متنکر تاثیر آقای بهروز غریب‌پور بر این جشنواره شود. او مبارک و این جشنواره ر جهانی‌تر از خانم برومند بود که این جشنواره را احیا کرد. همین طور باید یاد کنیم از عزیزانی که دیگر در میان ما نیستند.

[۶] مثل فرناز بهزادی، هنرمند با سابقه نمایش عروسکی که قبل از جشنواره از دنیا رفت.

بله، خدا رحمتش کند. همین طور گلزار محمدی (دبیر هجدهمین جشنواره تئاتر عروسکی) که او را هم از دست دادیم. زنده‌یاد استاد ادرشیر کشاورزی، زنده‌یاد استاد جواد ذوالفقاری و ... که ما همه شاگردهای ایشان بودیم. به همین دلیل اول رضایت گروه‌ها برایم مهم است و بعد تایید استادیم. در همین تیم برگزاری جشنواره، امیدهایی هستند که هرکدام می‌توانند به تنهایی یک جشنواره برگزار کنند. واقعاً باید به همراهی بی‌چشمداشت اعضای ستاد و گروه برگزاری جشنواره هم اشاره کنم که یک سال با کمترین دستمزد پای کار هستند. دستمزد که چه عرض کنم، کمک‌هزینه

رفت‌وآمد آنها هم نمی‌شود. در این چندوقت، من همیشه در مصاحبه‌ها حضور دارم ولی حدود ۳۰ نفر به‌طور مستمر برای برگزاری هرچه بهتر جشنواره تلاش می‌کنند. به جای برگزاری یک جشنواره عریض و طویل با خرج‌های اضافه، تصمیم گرفتیم هزینه‌کرد منطقی داشته‌باشیم. همه این دوستان هم با این نیت ما را همراهی می‌کنند. معتقدم، این پول متعلق به بیت‌المال است. من ایراد شخصیتی زیاد دارم اما در این زمینه معتقدم این پول مردم و مالیات کارگرنی است که در گرمای ۵۰ درجه عرق می‌ریزند.

[۷] آن بحث تنوع تکنیکی و محور آموزش که ملاک انتخاب برخی آثار به ویژه در بخش بین الملل بود، اتفاق افتاد؟

بله، البته اگر بخواهم از این دوره به دبیری خودم یک ایراد بگیرم، مربوط به بخش بین‌الملل است و دوست داشتم سطح آن خیلی بالاتر از این

فلاش بک

سراغاز با ملاقلی پور

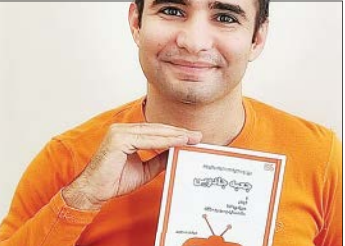
[۱] اولین تجربه بازیگری‌تان در سینما به ۱۹ سال پیش و فیلم «مزرعه پدری» (رسول ملاقلی‌پور) برمی‌گردد. اولین دیالوگ‌تان هم بعد از آن سلام علیک اولیه، خطاب به مهدی احمدی این است: «خب محمود جان! به کجا رسیدی؟» حالا همین سؤال را از شما بعد از این چند سال کار سینما و بازیگری می‌پرسم: «خب هادی جان به کجا رسیدی؟»

خدا را شکر می‌کنم، به نظرم سینما خیلی با من مهربان بود. این شانس را داشتم که با کارگردان‌های خوب کار کنم و با آدم‌های خوبی روبه‌رو شوم. جمشید محمودی، خانم نیکی کریمی، حسین مهدویان و خیلی اسم دیگر. هرکدام از آنها به من کمک کردند در بخشی از کارم اعتماد به تقسم رایبه دست بیآورم. به نظرم موقعیتم در سینما خیلی فراتر از آن چیزی بود که انتظارش را داشتم. همین‌ها باعث شد کمی بیشتر به کارگردانی فکر کنم و دغدغه‌ام این است کاری را که می‌خواهم، بسازم. امیدوارم امسال یک سریال ۱۳ قسمتی برای نمایش خانگی بسازم و سال دیگر هم بتوانم فیلمی را که خیلی وقت است دوست دارم و منتظرش هستم، کارگردانی کنم.

[۲] حالا که یاد «مزرعه پدری» کردیم، سوالی هم درباره بابک حمیدیان پیرسم که او هم مثل شما اولین فیلم سینمایی‌اش را آنجا تجربه کرد اما در چند بار تماشای فیلم، او را پیدا نکردم.

بابک هم جزو همان رزمنده‌ها بود، شاید پلان‌هایش در تدوین حذف شده‌باشد. به جز بابک، بازیگران دیگری چون فرزین محدث، سیروس همتی، قربان نجفی و ... در فیلم بودند. یک خاطره باتکم هم درباره این فیلم بگویم. همه متن فیلمنامه را به ما نداده بودند، نقش من هم بیشتر از این بود و به خاطر اتفاقی

برنامه‌های تلویزیونی ویژه کودکان و نوجوانان در شبکه دوی سیما شروع به فعالیت کرده و بیش از ۱۵ سال برای این رده سنی اجرای تلویزیونی داشته‌است. از مهم‌ترین این برنامه‌هایی‌توان به عصر بخیر بچه‌ها، ململ، بچه‌های ایران، مسابقه جام‌نهایی و مسابقه ششمی‌ها اشاره کرد. این مراسم با مشارکت نشر بوی کاغذ (بوکا) و فرهنگسرای نیاوران فردا میزبان علاقه‌مندان به ادبیات کودک و نوجوان و به‌ویژه حوزه نمایشنامه‌نویسی است.



باشد که شاهدش بودیم. البته من سعی کردم در بحث خدمات تبعیضی در این خصوص وجود نداشته‌باشد و مهمانان گروه‌های خارجی هم در همان هتلی اقامت دارند که گروه‌ها و مهمانان داخلی هستند. همچنین با اسپانسر هزینه بلیت رفت و برگشت آنها را پرداخت کردیم. همین‌طور به ۶۰ درصد این کارها پول پرداخت نکردیم.

[۳] در حالی‌که برخی گروه‌ها از دورترین نقاط جهان به این جشنواره آمدند، برزیل، پرو، مکزیک.

بله، آنها هزینه‌های سنگینی داشتند. اگر هم کمک هزینه‌ای دادیم، اندازه گروه‌های ایرانی بود.

[۴] که به دلار رقم خیلی ناچیزی می‌شود.

دقیقا، در حد هزار دلار به بعضی کارها پرداخت کردیم. البته خیلی از گروه‌ها به اعتبار و اسم این جشنواره آمدند. این اعتبار را چه کسانی به وجود آوردند؟ افراد قبل از ما نظیر آقای غریب‌پور، خانم برومند، آقای ذوالفقاری، آقای طهماسب و ... یعنی سرمایه ما در این زمینه فقط پول نیست و اعتباری است که این بزرگان برای ما کسب کردند. این عزیزان برای خانواده عروسکی مثل یک بودجه هزار میلیاردی هستند و ما باید حواس‌مان به آنها باشد.

[۵] حالا که صحبت بزرگان و سرمایه‌های این عرصه شد، آیا در این جشنواره استعدادهایی دیده‌ید که

قابلیت تبدیل شدن به نام‌های بزرگ را در آینده داشته‌باشند؟

بله. در این زمینه جشنواره خیلی فراتر از انتظارم بود و کارهای خیلی خوبی به ویژه از شهرستان‌ها دیدیم. اما معتقدم اینها تک ستاره‌هایی هستند که محصول پرورش یک پروسه نیستند. اگر قرار به ادامه روند موفق آنها و تبدیل‌شان به نام‌هایی بزرگ در این عرصه باشد، باید طرح و برنامه‌ای دقیق و درست داشته‌باشیم.

[۶] حرف ناگفته‌ای درباره جشنواره باقی مانده؟

دوست دارم به بخش خوب فراگیر (ویژه بهزیستی و توان‌یابان) در این دوره اشاره کنم که برکت این جشنواره هستند. برخلاف این هیبتی که دارم، حرفه‌ه این گروه‌ها و کارهای‌شان را می‌بینم. از شدت عتق به اینها گریه‌ام می‌گیرد! امید که مربیان و خانواده‌های این بچه‌ها دارند، عاشقانه و مثال‌زدنی است، با این‌که کار خیلی سختی دارند.

[۷] به عنوان دبیر جشنواره نمایش عروسکی، خودتان هم عروسک دارید؟

بله، هم عروسک نمایش‌هایی که کار کردم و هم عروسک‌های دیگر. من چون کلاً آدم اشغال جمع‌کنی هستم، هیچ چیزی را دور نمی‌ریزم! (می‌خندد) من در بحث نمایش عروسکی، طرفدار تکنیک‌های نو و هرکاری هستم که برای من حس ایجاد کند.

[۸] به تازگی در فضای مجازی خبری درباره تولید اسپین‌آف سریال پوست شیر منتشر شد.

من در جریان نیستم. چون اصلاً دو سال است در فضای مجازی حضور ندارم.

که برایم افتاد و لیم پاره شد. تقشتم کم شد. حتی صدای پشت بیسیم هم صدای خودم نیست و مجبور شدند از کس دیگری برای گفتن آن دیالوگ‌ها استفاده کنند. در سکانس‌های جنگی و مربوط به عملیات، آقای جمشید هاشم‌پور هم حضور داشتند. از دید ما ایشان سوپرستار نهایی سینمای ایران بود. برای همین وقتی تویخانه دشمن شلیک می‌کند و ما فرار می‌کنیم، من همه جا دنبال ایشان می‌دویدم تا سه دورینی که فیلمبرداری می‌کردند، مدت زمان بیشتری مراد را کادر بگیرند! چون متن کامل فیلمنامه را نداشتیم. فکر می‌کردم آقای هاشم‌پور نقش اصلی فیلم است در حالی‌که وقتی فیلم را دیدم، متوجه شدم مهدی احمدی نقش اصلی را بازی می‌کرد و من موقع فیلمبرداری سوتی دادم و اشتباه کردم.

(می‌خندد) خدا آقای ملاقلی‌پور را رحمت کند، خیلی عکس‌های خوبی از این فیلم دارم. یک روز دوربین سر صحنه برده‌بودم و عکس گرفتم.

[۹] جالب این‌که سال‌ها بعد از این فیلم در «به وقت شام» (ابراهیم حاتمی‌کیا) به شکل جدی و پررنگ با بابک حمیدیان همبازی شدید و با این‌که فقط چهار سال بزرگ‌تر از او هستید، نقش پدرش را بازی کردید. بله، این قدر نقش پیر بازی کردم، خودم هم پیری را باور کردم.

قاب



بازدید رئیس رسانه ملی از پشت‌صحنه سریال عاشورا

هادی هادی

هادی هادی فر در تئاتر عروسکی بیشتر به‌عنوان کارگردان شناخته می‌شود اما سرلا طول کشید تا نخستین فیلمش را در سینما بسازد. او سال ۱۴۰۰ فیلم «موقعیت مهدی» را نوشت و کارگردانی کرد و هنر و استعدادش را در این زمینه هم نشان داد. مجازی‌فر پس از حضور موفق در جشنواره فیلم فجر، نسخه مفصل‌تر موقعیت مهدی که محصول سیما فیلم است را برای رسانه ملی ساخت. سریالی ۷ قسمتی‌که قرار است در پایام محرم و صفر از تلویزیون پخش شود.

جام جم

تئاتر

THEATRE

یکشنبه ۱۸ تیر ۱۴۰۲ ■ شماره ۶۵۳۱